

علمای شیعه لبنانی و اصلاح فرهنگ عزاداری

بازتابی از اصلاح طلبی علمای ایرانی

با تکیه بر کتاب مبارزه علمای اصلاح طلب لبنان با تحریفات عاشورا

محمد رجائی نژاد*

محمد رضا بارانی**

[تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۵]

چکیده

پیوند مذهبی شیعیان امامیه ایران و لبنان، به‌ویژه از دوران صفویه، محدود به آموزه‌های مذهبی یک‌سویه عالمان لبنانی برای شیعیان ایرانی نماند و با گذر زمان دوسویه شد و منجر به تعامل فرهنگی گردید. در این دادوستد فرهنگی، گاه آسیب‌ها و ناهنجاری‌های مذهبی نیز جابه‌جا شده است. از آن میان تحریفات و خرافات عاشورا است. خانم سابرینا مرون در کتاب خود اشاره کرده است که تأثیرپذیری فرهنگ عزاداری شیعیان لبنان از ایران موجب جابه‌جایی تحریفات و خرافات عاشورایی شده است و برخی علمای اصلاح‌گر لبنانی به رهبری محسن امین در پی اصلاح آن برآمدند. در پژوهش پیش‌رو ضمن بررسی و تحلیل همین مسئله در گستره هفتادساله تاریخ مذهبی شیعیان لبنان، به اثرپذیری جنبش اصلاح‌طلبی علمای شیعه لبنان از اصلاح‌طلبی مذهبی ایرانی نیز اشاره می‌شود؛ مسئله‌ای که خانم مرون از آن غفلت کرده است. در واقع اصلاح‌طلبی مذهبی نیز دوسویه بوده است و علمای هر دو بلاد متأثر از هم بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سوگواری عاشورا، تحریفات عاشورا، اصلاح‌طلبی، علمای لبنان و ایران.

* دانشجوی دکتری رشته تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)، mrajaei1348@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س)، mrb1385@gmail.com

مقدمه

پیشینه شرق‌شناسی را که به پیش از اسلام می‌رسد، از دید تاریخی و اهداف و انگیزه‌ها می‌توان به دوره‌های گوناگون تقسیم کرد. از آن میان، در دوره پس از ظهور و پیشرفت اسلام، رویکرد دینی آن قوی‌تر است. روی کار آمدن دولت‌های شیعی، به ویژه صفویان در ایران، توجه خاورشناسان به جوامع شیعی مذهب را بیشتر کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گرایش به مطالعات شیعی به ویژه عاشوراپژوهی را گسترش داد.

از شرق‌شناسان معاصر، خانم سابرینا مرون، خاورشناس فرانسوی با نگارش کتاب *مبارزه علمای اصلاح طلب لبنان با تحریفات عاشورا*، جنبش اصلاح‌طلبانه گروهی از علمای شیعه لبنانی به رهبری سید محسن امین را با تأکید بر مبارزه با تحریفات عاشورا (سنت‌ها و نمادهایی مانند؛ تعزیه، قمه‌زنی، زنجیرزنی، سینه‌زنی و...) تحلیل و بررسی کرده است. او که فرهنگ و نمادهای عزاداری عاشورای لبنان را متأثر از فرهنگ عزاداری ایران می‌داند، معتقد است برخی از آداب و نمادهای سوگواری ایرانی همراه با خرافات به لبنان منتقل شده و مبارزه علمای اصلاح‌طلب لبنان با خرافات و تحریفات عاشورا، به نوعی مخالفت با فرهنگ ایرانی نیز هست.

با اینکه پژوهش خانم مرون با جنبش اصلاح‌طلبانه مشروطیت ایران که علما و روحانیت، نقش برجسته و اساسی در آن داشتند، هم‌زمان است؛ اما نقش تأثیرگذار جنبش اصلاح‌طلبی علمای ایرانی بر لبنان را نادیده گرفته و مورد بررسی قرار نداده و تنها با اشاره‌ای کوتاه از آن رد شده است. به نظر می‌رسد این کوتاهی و غفلت خواسته یا ناخواسته ضعف اثر او است؛ هدف این مقاله نیز پرداختن به همین مسئله است؛ در واقع ما در پی اثبات این فرضیه هستیم که همان‌گونه که سده‌های پیاپی دو فرهنگ شیعی ایران و لبنان با هم پیوند داشتند و متأثر از هم بودند، روح حاکم بر آیین‌ها و نمادهای سوگواری شیعیان لبنان در عاشورا متأثر از آیین و مراسم و نمادهای ایران بوده است، جنبش اصلاح‌طلبی علمای مذهبی آن کشور درباره تحریفات عاشورا نیز متأثر از جنبش‌های احیاء علمای و نهضت‌های اصلاح‌طلبی ایران و ایرانیان بوده است.

در این مقاله قصد داریم با تکیه بر رویکرد پدیدارشناسانه و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ضمن پاسخ به این پرسش که جنبش اصلاح‌طلبی علمای شیعه لبنانی در تاریخ معاصر چه تأثیری از اصلاح‌طلبان ایرانی گرفته است، اثبات کنیم در امتداد

پیوستگی و اثرگذاری متقابل فرهنگی میان شیعیان ایران و لبنان، رویکرد اصلاحی علمای لبنان برای مقابله با آسیب‌های سوگواری و عزاداری عاشورا نیز متأثر از جنبش اصلاح‌طلبی علمای ایران بوده است.

خانم مروان از پیوند و تأثیر اصلاح‌طلبی ایرانی بر اصلاح‌طلبی لبنانی غفلت کرده و موجب شده است خواننده کتاب به این شبهه برسد که مبارزه علمای اصلاح‌طلب لبنانی با تحریفات عاشورا، به نوعی مخالفت و مبارزه با فرهنگ ایرانی بوده است.

مفهوم‌شناسی

مفاهیم اساسی این پژوهش عبارت است از: «احیاء» از ریشه «حی»، به معنای جان‌بخشی، تجدید حیات، زندگی دوباره، رونق تازه است. این واژه به معنای برپایی و برگزاری مراسم نیز آمده است (آذرنوش ۱۳۷۹: ۱۵۰-۱۵۱؛ انوری ۱۳۸۱: ۱/۲۷۷).

همچنین «اصلاح» واژه عربی از ریشه صلح به معنای به‌سازی، بازسازی، مرمت، تجدید بنا، برطرف کردن عیب و نقص و ویرایش و درست کردن آمده است (آذرنوش ۱۳۷۹: ۳۷۰؛ انوری ۱۳۸۱: ۱/۴۴۲). اصلاحات (جمع اصلاح) در امور مختلفی از جمله اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... کاربرد دارد و به معنای به سامان آوردن و ایجاد تغییرات مطلوب است (همان). واژگانی مانند اصلاح‌طلب، اصلاح‌پذیر، اصلاح‌طلبانه، اصلاح‌طلبی، اصلاحی و اصلاحیه از این ریشه است (انوری، ۱۳۸۱: ۱/۴۴۳). در عرف متداول سیاسی و اجتماعی نیز به معنای سامان دادن‌های آرام و تدریجی آمده است (آشوری ۱۳۸۰: ۷۲). به‌طور کلی «اصلاح» در فرهنگ اسلامی، تدبیر و تلاش برای هرچه نزدیک‌تر کردن خود و دیگران به وضعیت مطلوب با استفاده از همه راهکارها و امکانات است.

پس دو واژه احیاء و اصلاح، هرچند در معنای لغوی و اصطلاحی از جهاتی متمایزند، اما برای یاری رساندن به بازسازی مطالعات و تفکر دینی در جامعه، بار معنایی مشترکی داشته، ملازم یکدیگراند و رابطه عموم و خصوص من‌وجه دارند؛ یعنی پاره‌ای برداشت‌ها و نوآوری‌ها در فهم دین، به اصلاحات و تغییرات اجتماعی نیز منجر می‌گردد یا در همان محدوده مباحث معارف دینی باقی می‌ماند. با این نگاه منظور ما در مقاله، تلفیقی از معانی احیاء و اصلاح‌طلبی است.

۱. شناسه کتاب خانم مروان

کتاب مبارزه علمای اصلاح طلب لبنان با تحریفات عاشورا ترجمه فصل ششم از کتاب قطور یک اصلاح طلبی شیعی: علما و اندیشمندان جبل عامل از پایان امپراطوری عثمانی تا استقلال لبنان است.^۱ اصل کتاب نیز همان رساله دکترای خانم مروان، با عنوان نهضت اصلاح گری شیعه، علما و ادبای جبل عامل لبنان است که به معرفی جنبش اصلاح طلبی علما و بزرگان مذهب شیعه در جبل عامل لبنان، در پایان دوران امپراطوری عثمانی و به هنگام تشکیل دولت لبنان (۱۸۸۰-۱۹۴۳) پرداخته است.

نویسنده کتاب، خانم دکتر سابرینا مروان (Sabrina Mervin)، یکی از استادان برجسته شیعه شناسی دانشگاه سوربن فرانسه، نامی آشنا برای شیعه شناسان و پژوهشگران علوم اجتماعی است. او دارای دکترای زبان و ادبیات عربی از مؤسسه ملی زبان های شرقی است و مطالعات خود را بر شناخت شیعیان در لبنان، عراق و ایران متمرکز کرده است. کتابی که پایه این مقاله است، ترجمه دکتر فرشتیان است که در ۱۶۸ صفحه به وسیله نشر حبیب منتشر شده است. این کتاب یک پیش گفتار مفصل از مترجم و دو بخش با هفت فصل دارد.

بخش اول: حلقه دانشمندان جبل عامل و بدعت ها، شامل دو فصل؛ فصل اول شیعه و بدعت؛ فصل دوم، اختلاف در مورد حمل و نقل جنازه اموات به کربلا و نجف. بخش دوم: اصلاح مراسم عاشورا، شامل پنج فصل؛ اول، آداب و اعمال این مراسم؛ دوم، از رفورم و اصلاح موسی شراره تا ورود مراسم فارس ها؛ سوم، اصلاحات محسن امین؛ چهارم، تفرقه و اختلاف (فتنه)؛ پنجم، عبدالحسین شرف الدین.

خانم مروان تلاش کرده است جنبش اصلاح طلبی علمای شیعه این مقطع از تاریخ لبنان را تبیین و ویژگی های آن را تجزیه و تحلیل کند (مروان، ۱۳۸۷: ۴۱). همچنین با بهره گیری از روش تاریخی گری به زمینه ها و علت ها و ریشه های تاریخی عزاداری و تحریفات آن در لبنان اشاره کرده (همان، ۱۴۲ و ۱۳۴)، نشان دهد چگونه برگزاری این مراسم از چارچوب مذهبی خارج و تبدیل به نمایش، حادثه، بازار تجاری و گاه تفریحی شده است. آسیبی که امروزه نیز در جوامع مذهبی شیعی شاهد آن هستیم و به نوعی هنوز چالش بین اصلاح طلبی و سنت گرایی ادامه دارد.

۲. جریان اصلاح طلبی در میان علمای شیعی لبنان

در تاریخ اسلام حرکت‌ها و نهضت‌های اصلاحی فراوانی وجود داشته است که درصدد احیا و اصلاح دین و سنت و بازگشت به اصول اولیه و عاری از خرافات و تحریفات بوده‌اند (الگار، ۱۳۶۲: ۳۶ - ۳۷). در تاریخ معاصر نیز مواجهه مسلمانان با تمدن غرب موجب بروز تفکر اصلاح طلبی در بین مسلمین شد؛ به خصوص از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که غرب تأثیر زیادی بر حیات فرهنگی و سیاسی - اجتماعی مسلمین و ظهور جریان‌های اصلاح طلبانه گذاشته است (پاشاپور، ۱۳۸۲: ۷۰؛ رشیدی، ۱۳۹۲: ۱۶۵). بهترین واژه برای توصیف جنبش‌هایی که در کشورهای ایران، شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان، هندوستان، مصر، سوریه و لبنان ظهور کرده است، اصلاح طلبی اسلامی است. زیرا این نهضت‌ها هدف خود را زدودن غبار انحراف و بدعت از سیمای اسلام برای دستیابی به اسلام نخستین و راستین قرار داده‌اند (مطهری ۱۳۷۲: ۱۳؛ شیرودی ۱۳۹۰: ۲۱). حال با این توصیف و با توجه به مفاهیم اصلی پژوهش، آیا منظور از اصلاح طلبی نزد اهل سنت و شیعه یکی است؟

۲.۱. اصلاح طلبی سنی - شیعی

خاورشناسان بین اصلاح طلبی سنی و شیعی تفاوت قائل‌اند؛ اصلاح طلبی و مبارزه با خرافات و انحرافات - به‌ویژه در سده‌های اخیر- با دو شیوه متفاوت میان شیعیان و سنیان به پیش رفته است. عالمان سنی مذهب فرهنگ اصلاح طلبی را رجوع به اسلام اصیل و پیشینیان (سلف)، احیای دوبارهٔ خلافت اسلامی، گشایش باب اجتهاد و... می‌دانند (مرون، ۱۳۸۷: ۳۷ - ۳۸) و مبارزه با خرافات و انحرافات را هم بیشتر در مبارزه علیه فرهنگ و بعضی آداب و سنن جامعهٔ شیعه، مثل زیارت قبور ائمه و بزرگان دین و مذهب و سوگواری برای آنان و... می‌بینند (همان، ۹ و ۴۷ - ۴۸)؛ اما، نگاه شیعه این‌گونه نیست؛ شیعه با اعتقاد به مهدویت و انتظار فرج، نگاه به آینده دارد، نه گذشته؛ همچنین در کل، آداب و اعمالی چون زیارت و توسل و سوگواری و... را تأیید می‌کند و اگر در این زمینه اختلافی هم بین شیعیان باشد در جزئیات و شیوهٔ آن است (همان، ۱۰ و ۳۸). به اعتقاد عالمان شیعی چنین اعمالی از طرف شیعیان نوعی هویت‌بخشی و انسجام معنوی را در پی دارد و با روح فرهنگ دینی سازگار است، فقط باید با بعضی از شیوه‌ها و

رفتار و کردار ناپسند که در طول تاریخ از فرهنگ‌های مختلف وارد فرهنگ شیعه شده است، مبارزه کرد (همان: ۱۰، ۱۱، ۳۹ - ۴۸).

شماری از علمای شیعه لبنان نیز در همین راستا بود که تلاش کردند تا خرافات و انحراف در عزاداری امام حسین (ع) را کنار زده، شیعیان را از سوگواری‌ها و اعمال خلاف دین و مذهب و عرف جامعه لبنان دور کنند. در این راستا برخی بر جنبه‌ها و کارکردهای فرهنگ سوگواری عاشورا تأکید داشته‌اند؛ گروهی کارکرد آموزشی آن را ارجح دانسته و پاره‌ای هم بر جنبه‌های سیاسی و توان نهفته بسیج اجتماعی - سیاسی آن توجه کرده‌اند؛ اما، خانم مرون عالمان شیعی لبنان را به دو طیف «اصلاح‌طلبان» و «سنت‌گرایان» تقسیم کرده است و سیدمحسن امین را در رأس اصلاح‌گرایان و سید عبدالحسین شرف‌الدین را رهبر سنت‌گرایان معرفی می‌کند (همان، ۱۳-۱۴).

۲.۲. سنت‌گرایان

سنت‌گرایان لبنانی کسانی بودند که در عین مخالفت با خرافات و بدعت‌های عزاداری، به برپایی مجالس سوگواری حسینی به هر شکلی تأکید داشتند و آن را موجب تحکیم و انسجام و تثبیت شیعه می‌دانستند. آنها معتقد بودند اصلاحات در این زمینه، موجب سوءاستفاده مخالفان و دشمنان، به ویژه افراطیون اهل سنت می‌شود (همان: ۱۳۶ - ۱۴۰). رهبری این طیف با سید عبدالحسین شرف‌الدین، ساکن صور لبنان بود که فعالیت سیاسی و اجتماعی پررنگ‌تری داشت و همراه با هوادارانش دارای راهبرد سیاسی بود؛ از این رو تلاش می‌کرد از مراسم عاشورا به عنوان ابزاری برای احیای تشیع و انسجام اجتماعی - سیاسی و به صحنه کشیدن شیعیان استفاده کند، نه اینکه وقت و انرژی خود و شیعیان را صرف درگیری و مبارزه با عقاید و آداب و رسوم سنتی و توده مردم کند (همان، ۱۳-۱۴). به همین دلیل براینده نظرات و مواضع و عمل ایشان به‌گونه‌ای بود که توده‌های مخالف جریان اصلاحات، یعنی شرف‌الدین و پیروانش را پرچمدار و حامی سنت‌های سوگواری عاشورا می‌دانستند (همان، ۱۳۵-۱۴۲).

شرف‌الدین در گستره فراگیر برنامه‌ها و کارهای دینی و مذهبی دارای گرایش‌های اصلاحی بود و احیاگری و اصلاح را در قالب تأسیس نهادهای آموزشی، پرورشی، بهداشتی و خدماتی پیش می‌برد. همچنین برای بالا بردن جایگاه سیاسی و اجتماعی

شیعیان لبنان تلاش می‌کرد با بنیان‌گذاری مجلس مشورتی، به ارزیابی وضعیت جهان اسلام پرداخته، با برنامه‌های راهبردی در برابر مسائل بین‌المللی تصمیم صحیح اتخاذ کند؛ یا اینکه با تأسیس باشگاه بزرگی به نام «نادی الامام جعفر الصادق» که بیشتر به صورت یک نهاد علمی، اجتماعی و دینی عمل می‌کرد، سعی داشت برای زدودن جهل و خرافه‌گرایی از جوامع اسلامی اثرگذار باشد (شرف‌الدین، ۱۹۵۰: ۸۱-۸۲)، اما چون در زمینه تحریفات و خرافات سوگواری عاشورا به باور توده مردم احترام می‌گذاشت و معتقد بود نباید اعتقادات و آداب و رسوم مذهبی شیعیان را زیر سؤال برد و تشکیک کرد، او را مخالف اصلاحات می‌دانستند.

به نظر می‌رسد شرف‌الدین خرافه‌زدایی از سوگواری امام حسین (ع) را در اولویت نمی‌دید و معتقد بود اگر رویدادهای ملال‌انگیز اهل بیت (ع) به صورت نمایش برگزار شود، اثر خوبی بر دل‌ها خواهد گذاشت، ولی این برنامه باید از روی اصول صحیح به اجرا درآید (همو، ۱۹۸۱: مقدمه). نقطه اختلاف ایشان با دیگر عالمان اصلاح‌طلب لبنانی در همین جا بود؛ زیرا محسن امین تأکید می‌کرد در عزاداری‌ها باید از سیره ائمه (ع) پیروی کرد و اگر آن بزرگواران تصریحی در این امور نکرده‌اند، باید از شیوه‌ای منطقی و عاقلانه متابعت نمود و از خرافات و اعمال تقلیدی و وارداتی دوری کرد (امین ۱۹۷۳: ۲۴).

۲.۳. اصلاح‌طلبان

عالمان اصلاح‌طلب لبنانی در پی آن بودند که با ایجاد تشیعی سازمان‌یافته و منسجم و به دور از هیاهوی سیاسی و اجتماعی، بتواند از ناهنجاری‌ها و انحرافات و خرافات آن بکاهد و آن را پالایش کنند و نظم و سیاق دهند. آنها می‌خواستند فرهنگ غنی محرم و عاشورای حسینی مبرا از ناپاکی و ناخالصی شود و چهره‌ای ناب و به دور از آلودگی از تشیع ارائه دهند. محسن امین رهبر این گروه، در عین حال که از عقاید و بعضی نمادها و عناصر شیعی مثل تعظیم و تکریم مقابر ائمه و بزرگان دینی دفاع می‌کرد و زیارت قبور آنان و شفاعت را سنتی حسنه و مشروع می‌دانست (مرون ۱۳۸۷: ۴۸-۴۹)، اما نسبت به رسوم و عادات و آداب عامیانه شیعیان که برخلاف رویه عقلایی و اصول دینی بود، انتقاداتی داشت؛ سنت‌های عامیانه‌ای مثل سحر و جادو، تبرک جستن به درخت و دیگر اشیاء مقدس (همان، ۵۰). محسن امین از نگاه تاریخی، اعمالی چون تعزیه (شبیه‌خوانی)،

قمه زنی، زنجیرزنی و سینه زنی (لطم)، شاه حسینی (عملی شبیه زنجیرزنی، ولی با چوب؛ هر عزادار چوبی یک متری به دست گرفته و با بالا و پایین آوردن آن یاحسین و شاه حسین می گوید. چوب نشانه شمشیر است)، جیغ زدن و فریاد کردن که در زمان قدرت شیعه چون زمان آل بویه رواج داشت را غیرواقع می دانست (همان: ۶۷ و ۱۱۲؛ امین، ۱۹۷۳: ۳۱).

وی با استدلال و برهان ثابت می کند قمه زنی و برخی دیگر از خرافات رایج در عزاداری امام حسین (ع)، نه تنها ثوابی ندارد، بلکه از نظر شرع مقدس حرام و از کارهای شیطان است (مرون ۱۳۸۷: ۱۳).

در پی انتشار این اثر که با هدف پاک سازی مجالس مذهبی از بدعت ها و گمراهی ها انجام شد، توده مردم چنان در برابرش موضع گرفتند که برخی دوستانش خطر «انقلاب عوام» را به وی گوشزد کردند (امین، ۱۹۶۰: ۱۰/۳۶۳). حتی گروهی از گویندگان مذهبی در مسجدها او را گمراه دانستند و برخی با اندک سرمایه خود بر او تاختند و از او مجسمه کفر ساختند (همان)؛ اما او پا پس نکشید و سالیان بعد نیز برای اصلاح گری و مخالفت با تحریفات و خرافات مجالس سوگواری عاشورا جزوات و کتاب های دیگری نوشت و منتشر کرد؛ از جمله *لواقیط الاشجان فی مقتل الامام ابی عبداللّه* (زخم های غم در مقتل امام ابی عبداللّه)؛ *اصدق الاخبار فی قصه الاخذ بالثار* (حکایت های واقعی درباره قضیه انتقام)؛ *الدر النضید فی مراثی السبط الشهید* (گوهری در مرثیه نوه شهید پیامبر) (مرون، ۱۳۸۷: ۹۸)؛ *المجالس الثنیه فی مصائب و مناقب العتره النبویه* (همان، ۹۹).

محسن امین قصد داشت با این مطالب مستند، محتوای مجالس را تبیین و مشخص و منزه کند؛ شهادت امام حسین (ع) را از افسانه ها و اشتباهات تاریخی و خرافات و گفتار و اعمال وهن آلود پاک و پیراسته سازد و به قول خودش بین «دانه های مفید و علف های هرزه» جدایی افکند (همان، ۱۰۰).

محسن امین با تشکیل مدرسه و کلاس های آموزشی و تربیت روضه خوانان و مداحان نیز به جنگ خرافات و تحریفات عاشورا رفت. در همین کلاس ها بود که یاد می داد چگونه به منابع اصیل و دست اول دینی و مذهبی مراجعه کنند و احادیث و اخبار صحیح و غیرصحیح را تشخیص دهند (همان: ۱۰۱؛ امین، ۱۹۷۳: ۱۸؛ همو، ۱۹۷۴:

محسن امین مراسم مخصوص ماه محرم را در روزها و زمان‌های خاصی از سال گسترش می‌داد و در راستای اصلاحات از آنها بهره می‌گرفت و از این طریق اعتقادات و باورهای دینی توده مردم را توسعه و جهت می‌داد و اسلام شیعی آگاهانه را ترویج و معرفی می‌کرد. با همین دیدگاه از ۱۹۲۴ م. (۱۳۰۳ ش.) شبیه‌خوانی، قمه‌زنی، زنجیرزنی و... را در دمشق ممنوع کرد و گفت این اعمال با این کیفیت و سوسه شیطانی است و عاشقان واقعی حسین (ع) را از او دور می‌کند و موجب بدعت‌ها و محرمات می‌شود (مرون ۱۳۸۷: ۱۰۴).

یکی دیگر از اقدامات اصلاح طلبانه محسن امین ارتباط و حمایت از اقدامات دیگر علمای اصلاح طلب، از جمله عراق و ایران بود (همان: ۱۱۷). هرچند سید محسن امین از سوی اغلب جامعه شیعه به شدت تحت فشار بود و طرد شد، اما موافقانی نیز داشت که بارزترین آنها شیخ محسن شراره از علمای جبل عامل بود که در دفاع از او در مجلات می‌نوشت. شیخ محمد گنجی نیز با نوشتن کتاب *کشف التمیوه عن کتاب التنزیه* از او پشتیبانی کرد (الگنجی، ۱۳۴۷: ۲۹).

همچنین در جانب غیرحوزوی، مقالاتی عموماً با نام‌های مستعار، به حمایت از او در مجلات مختلف منتشر می‌شد. اما این حمایت‌ها در مقابل موج گسترده مخالفت آشکار علما سود چندانی نبخشید و سید محسن امین حتی در سرزمین مادری خود یعنی جبل عامل نیز مورد غضب اکثریت جامعه شیعه قرار گرفت و نظرات او که داعیه اصلاحی داشت، به شدت مورد انکار قرار گرفت و طرد شد (امین ۱۹۶۰: ۱۰ / ۳۸۰؛ مرتضی عاملی، ۱۴۲۵: ۳۵-۳۶).

۳. جریان جنبش اصلاح طلبی علمای ایرانی دوره مشروطه

زمینه‌های بیداری و تجددخواهی در ایران بسیار متنوع و پیچیده بوده است. ارتباط با دنیای غرب، اعزام دانشجویان به غرب، سفرنامه‌ها، تأسیس مدارس جدید، ترجمه آثار غربی، مطبوعات، روشنگری روشنفکران و... (آدمیت، ۱۳۴۰: ۴۰؛ اکبری، ۱۳۷۹: ۷۹ و ۸۱؛ آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۵۷) از جمله آنها است. در این بین مدارس جدید در ایجاد نواندیشی و نهضت فکری مردمان ایران نقش بیشتری داشت و فرصتی برای استعدادهای بالقوه داخل کشور فراهم ساخت تا در راه اصلاحات قدم بردارند و رفته‌رفته عادات ذهنی

خود را - که گاه با خرافات دینی نیز همراه بود - کنار نهاده، به مبارزه با موهومات پردازند؛ در رأس این طیف، علمای اصلاح طلب حضور داشتند (شیرودی، ۱۳۹۰: ۲۱؛ مطهری ۱۳۷۲: ۱۳).

به جریان اصلاحی دوران مشروطه، از زوایای مختلف می‌توان نگریست؛ یکی بر اساس طیف‌های درگیر، یعنی جریان اصلاح طلبی و روشنفکری روحانیان و عالمان دینی و دیگر بر اساس طیف غیرروحانیان. در این مجال بر اساس نگرش اصلاح‌گران روحانی و عالمان دینی و با نگاهی گذرا به جریان غیرروحانی به بررسی موضوع پرداخته می‌شود.

۳.۱. اصلاح طلبان غیرروحانی

جریان روشنفکری غیرروحانی، خود به گروه‌های متفاوت تقسیم می‌شوند، عده‌ای با قبول مبانی کامل تجدد غربی بسیاری از عناصر و رسوم و نمادهای دینی مسلمانان و شیعیان و به‌ویژه سنت عزاداری شیعیان را برناتفتند و مورد هجمه قرار دادند. میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۲۷-۱۲۹۵ ق.) از پیشاهنگان روشنفکری این جریان بود (اکبری، ۱۳۷۹: ۹۳-۹۴؛ آخوندزاده، ۲۰۱۶: ۲۱۳).

میرزا آقاخان کرمانی (۱۲۷۰-۱۳۱۴ ق.) نیز از نخستین کسانی هستند که از طریق رمان و نمایشنامه‌نویسی و ادبیات از ناروایی‌های اجتماعی و سنت‌های خرافی انتقاد کرده، به شدت آیین سوگواری امام حسین (ع) را نقد می‌کند (آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۰۶).

احمد کسروی (۱۳۰۷-۱۳۶۴ ق.) نیز کسی بود که نقدهای زیادی بر نمادهای سوگواری عاشورا داشت. مراسمی چون سیاه پوشیدن، نخل‌برداری، قمه‌زدن، شبیه‌سازی، دسته راه انداختن و... را نادرست می‌دانست (کسروی ۲۰۱۱: ۱۸). این جریان را می‌توان در عصر مشروطه و پس از آن تا زمان رضا شاه و پهلوی دوم تا به امروز دید.

برخی از روشنفکران غیرروحانی هم بودند که با داشتن دغدغه دینی و احترام به متن اصلی دین، بر تفسیر و اجتهاد جدید از دین و تطبیق آن با نوآوری تأکید می‌کردند. کسانی مانند جلال آل‌احمد و دکتر علی شریعتی به مسائل فرهنگ عزاداری و تحریفات عاشورا نیز نظری داشتند. جلال آل احمد قشری‌گری‌های متعصبانه مذهبی را خلاف

اسلام می‌دانست و انجمنی به نام «اصلاح عقاید دینی مردم» تشکیل داد که به نفی اعمالی چون قمه‌زنی و قفل‌بندی و مانند اینها پرداخت (میرزایی، ۱۳۸۰: ۶ و ۸). همچنین در همین زمان کتاب *التنزیه الاعمال الشیعه* سید محسن امین را با عنوان *عزاداری‌های نامشروع* به فارسی ترجمه کرد.

۳.۲. اصلاح طلبان روحانی

یکی از اقدامات اصلاحی علمای شیعه، کوشش در اصلاح فرهنگ عزاداری مذهبی شیعیان بوده است؛ پیرایش و به‌سازی عناصر و مؤلفه‌هایی از مذهب شیعه که در دوره‌های مختلف تاریخی به‌ویژه بعد از صفویان در معرض انحرافات و خرافات قرار گرفت. گرچه در هر دوره شاهد مبارزه با آسیب‌ها و انحرافات از سوی فقها و عالمان بوده‌ایم، اما مواجهه جدی و روشمند با انحرافات و آسیب‌ها از ورود مدرنیسم مشروع و با جنبش مشروطه به اوج خود رسید و تا دوره نخست سلطنت محمدرضا پهلوی ادامه داشت (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۸۳؛ گودرزی، ۱۳۸۳: ۴۸).

از گذشته، عالمان شیعی زیادی بودند که به اصلاحات متون و احادیث و خرافات در دین برخاستند. یکی از نخستین کسانی که در تاریخ معاصر شیعه به‌درستی مبارزه با تحریفات و خرافات عاشورا را آغاز کرد، میرزا حسین (محدث) نوری است. کتاب *لؤلؤ و مرجان* او نخستین تألیفی است که درباره اصلاح روضه‌خوانی و پاکسازی آن نوشته شده است (آلاندوزلی، ۱۳۸۱: ۱۷۳ - ۱۷۶). تا پیش از او از برخوردهای انتقادی خبری نبود و اگر هم بود، سطحی به نظر می‌رسید. وی با نگارش کتاب *لؤلؤ و مرجان* تحریفات عاشورا را متذکر شد (همان). پس از ایشان می‌توان از سید عبدالحسین شوشتری نام برد که کتاب *اکسیر السعاده فی اسرار الشهاده* را در سال ۱۳۱۹ ق. نگاشت. وی با اینکه بر عزا و گریستن بر ائمه فضیلت خاصی - مقدم بر تمام معارف، طاعات و عبادات - قائل است، اما آن را به تحقق شرایطی که مهم‌ترین آنها تحریفی نبودن آن است، منوط می‌دانست (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۶).

شیخ محمدباقر خراسانی بیرجندی نیز با تألیف کتاب *کبریت احمر فی شرایط المنبر* (۱۳۳۰ ق.) در صدد اصلاح خرافات و موهومات از آداب منبر و وعظ برآمد. همچنین شیخ عباس قمی، از شاگردان محدث نوری به پیروی از استادش حساسیت خاصی به

نقل‌های ساختگی داشت و کوشید تا نفس‌المهموم را براساس متون صحیح بنویسد و حادثه کربلا را بازسازی کند (بیرجندی، ۱۳۸۵: ۷).

در دوران مشروطه نیز برخی از علمای ایرانی در عین مشروطه‌طلبی و اصلاح‌طلبی سیاسی و اجتماعی، به اصلاحات فرهنگی و مذهبی نیز توجه داشتند. کسانی چون آخوند خراسانی، میرزا محمدحسین تهرانی نجل میرزا خلیل، شیخ عبداللّه مازندرانی (مراجع سه‌گانه نجف در صدر مشروطیت)، شیخ محمداسماعیل محلاتی، میرزا محمدحسین نائینی، سید عبداللّه بهبهانی و سید محمد طباطبایی مخالف خرافات و تحریفات دینی و مذهبی بودند و در پی اصلاح بودند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ۲۰؛ فردید ۱۳۸۴: ۳۵).

میرزای نائینی، خرافه‌های دینی را بازگو کرده، معتقد بود اندیشه‌های خرافی، دین اسلام را از حل مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعه ناتوان می‌سازد (نائینی ۱۳۶۱: ۷۵، ۲۷، ۲۸). ایشان حتی طی فتوایی استفاده از هرگونه امور ناپسند را که شایسته سوگواری و شعاعر حسینی نبود، جایز ندانستند. به‌گونه‌ای که ضمن تأیید عمل شبیه‌خوانی، این قید را بیان نمود که شعائر مزبور باید از هرگونه امور ناپسند که شایسته چنین شعاری نیست، پاک باشد.

آیت‌الله کاشف الغطاء نیز به سوگواری به شکل شبیه‌خوانی حساس بود و می‌گفت: سعی کنید عزاداری را از کارهایی که با حزن و عزا جور در نمی‌آید، جدا کنید؛ زیرا عزاداری برای زنده ساختن فلسفه قیام امام حسین (ع) است، نه برای قصه‌گویی، نمایش و وقت‌گذرانی. بکوشید مراسم سوگواری را بدون نقص برگزار کنید و مردم را به یاد خدا بیاندازید و ایمان آنها را زیاد کنید (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۶: ۲۱).

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نیز معتقد بود به کار بردن شمشیرها (قمه‌زنی) و زنجیرها و طبل‌ها و بوق‌ها و کارهایی مانند این امور که امروزه در دسته‌های عزاداری و در روز عاشورا معمول است، همگی حرام و غیرشرعی است (الخلیلی ۱۹۸۷: ۸/۳۷۸، پاورقی؛ الخلیلی ۱۹۶۳: ۳/۲۰۷). اینها نشانگر نگرانی و بیم علما از تثبیت خرافات به نام ارزش‌ها و شعائر دینی و مذهبی بوده است. ایشان که در آن زمان مقام ریاست تامه و

مرجعیت عامه شیعه را داشتند، به طرفداری از محسن امین عاملی و کتاب *التنزیه* وی، این فتوا را صادر کرد (مسائلی، بی تا: ۸۶). زمانی هم که سید محسن امین به زیارت نجف که سرسخت ترین مخالفانش آنجا بودند، رفت؛ سید ابوالحسن اصفهانی از او استقبال و پذیرایی شایانی کرد؛ طوری که مردم تشویق شدند و از همه طبقات به دیدار محسن امین رفتند (امین، ۱۹۶۰: ۳۸۰).

بنیان‌گذار حوزه علمیه قم، شیخ عبدالکریم حائری نیز در پی اصلاحات بود؛ تعزیه و عزاداری را با پیام واقعی عاشورا ناسازگار می‌دانست؛ از این رو تلاش کرد با تحریم چنین اعمالی از رواج رویه‌های نادرست سوگواری و کارهای خرافی به نام دین و امام حسین (ع) جلوگیری کند (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶: ۱۳۶). در گامی دیگر، پاره‌ای از مجلس‌های تعزیه و شبیه‌خوانی را تبدیل به مجالس روضه‌خوانی کرد (خمینی، ۱۴۱۲: ۱۷۳). اقتدار او سبب شد در محافل تعزیه قم مجلس‌گردانان و صاحبان مجالس به احترام حاج شیخ، در پی برگزاری تعزیه‌های ناپسند نباشند و عزاداران را از چنین کارهایی بازدارند.

جعفر الخلیلی (متولد ۱۳۲۲ ق.) ایرانی‌الاصول ساکن نجف نیز با تأسیس چند روزنامه که بعضی از آنها به وسیله حکام وقت بسته شد و با تألیفات بسیاری مثل *موسوعة العتاب المقدسه* و *هكذا عرفتهم*، خرافات را نفی و محفل‌های مذهبی را اصلاح کند. او از معدود حامیان و پیروان سرسخت سید محسن امین در نجف بود (امین، ۱۹۶۰: ۱۰/۳۸۲؛ الخلیلی ۱۹۶۳: ۲۱۶/۱).

در بصره نیز سید مهدی قزوینی که خود آغازگر اصلاحات بود، به حمایت از سید محسن امین برخاست و در آثار خود به انتقاد از قمه‌زنی پرداخت (قزوینی، ۱۳۴۵: ب: ۴ و ۵؛ حسون، ۱۴۳۲: ۱۸۰ - ۱۹۰؛ امین ۱۹۷۳: ۳۰ - ۳۱). وی اعتقاد داشت استفاده از آهن، یعنی زنجیر و قمه در مراسم عزاداری حدود را یک قرن قبل مردمانی که تسلط زیادی به قوانین شریعت نداشتند، پدید آورده‌اند (قزوینی ۱۳۴۵ الف: ۱۱۲ و ۱۱۳)؛ پس ریشه دینی ندارند و باید کنار گذاشته شوند.

همچنین شیخ محمد گنجی در راستای اصلاحات سال ۱۳۴۷ ق.، فتوای علمای موافق با *رسالة التنزیه* محسن امین را در کتاب *كشوف التمويه عن رسالة التنزیه* گردآوری کرد و به جواب از اشکالات وارد بر این *رسالة التنزیه* پرداخت (تهرانی ۱۹۷۵: ۱۹۷۵).

۱۸/۲۴؛ امین، ۱۹۶۰: ۱۰/۳۸۲). پس نگاه اصلاحی علمای شیعه ایران و عراق هم‌سو و مرتبط بوده و این اندیشه اصلاحی بر برخی روحانیون و طلاب ساکن نجف نیز تأثیرگذار بوده است.

۴. نمادهای سوگواری ایرانی در عاشورای لبنان

پیشینه شیعیان در بلاد شام (سوریه و لبنان) به سده‌های اولیه اسلام برمی‌گردد. شیعیان جبل عامل از نخستین پیروان و علاقه‌مندان اهل بیت پیامبر (ص) بودند که در دوران خلافت عثمان بن عفان (۶۴۴ - ۶۵۶ م.) به شیعه گرویدند (بارانی، ۱۳۸۸ الف: ۸/۱۷).

با روی کار آمدن صفویان در ایران، حاکمان صفوی همیشه تلاش داشتند با شیعیان و عالمان شیعی در شامات ارتباط برقرار کرده، ضمن نفوذ در آن مناطق، از وجود عالمان شیعی لبنان برای تحکیم پایه‌های قدرت خویش بهره بگیرند. حتی از تاجران و بازرگانان شیعه نیز برای نفوذ در این مناطق استفاده می‌کردند. این پیوند و وفاق به اندازه‌ای رسید که عثمانی‌ها بعضی از سران و رهبران و بزرگان شیعه لبنان را اعدام کردند (همان، ۲۵-۲۶). این فشارهای عثمانی و آن درخواست‌های دولت صفوی زمینه مهاجرت دو طرفه را بیشتر کرد.

مهاجرت شیعیان لبنان به ایران با انگیزه تبلیغ و تبیین شیعه در دولت تازه تأسیس صفوی گاه انفرادی و گاه خانوادگی انجام می‌گرفت و علمای مهاجر پس از ورود به ایران در نهادهای مذهبی صفویان به مقامات بالایی دست می‌یافتند (همان، ۲۸). این مراوده دو طرفه در طول تاریخ چندصدساله موجب انتقال فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی به لبنان شد. به گونه‌ای که در پاره‌ای از زمان‌ها زمینه‌های نفوذ و حضور فرهنگ شیعه ایرانی، حتی در دوران خود سید محسن امین بیشتر بوده است. برای مثال در مدارس زیر نظر محسن امین معمولاً سه نوع زبان خارجی تدریس می‌شد؛ ترکی استانبولی، فارسی و فرانسوی (مرون، ۱۳۹۳: ۱/۳۳۹) خود این نشانه نفوذ و حضور فرهنگ ایرانی در آن منطقه بوده است.

بعدها تأثیرپذیری شیعیان لبنان از فرهنگ عزاداری ایران، به ویژه در مسئله لطم و صدمه رساندن به بدن شدت بیشتری داشته است (همان، ۱۳۸۷: ۴۰؛ بارانی ۱۳۸۸: ۷/۲۸۰). به ویژه از اوایل قرن حاضر، آیین‌های عزاداری تقلیدی در حومه جنوبی بیروت

کاملاً مشهود بوده است. پیش از تأثیر فرهنگ عزاداری ایرانی، شیعیان لبنان مجالس عزاداری در منازل داشتند و در طول تاریخ با برگزاری همین نوع مجالس، تاریخ عاشورا را زنده نگه می‌داشتند، اما از صد سال پیش بود که اعمالی مثل لطم (زنجیرزنی و سینه‌زنی و قمه‌زنی و...) از ایران به جنوب بیروت راه یافت (ورنر ۱۳۸۲: ۳۳ و ۴۲؛ بارانی، ۱۳۸۸: ۷/ ۲۸۵)؛ تا آنجا که شیعیان لبنان نیز به تقلید از عزاداری ایرانی، دستجات سینه‌زنی و زنجیرزنی و مراسم تعزیه به راه انداختند (همان) که با فرهنگ بومی آنجا مغایرت داشت. از آداب و نمادهای عاشواری برگرفته از ایران این است که مردم آرام صحبت می‌کنند، خندیدن را عملی ناپسند می‌دانند و بسیاری سعی دارند لباس مشکی یا رنگ مایل به تیره بر تن کنند؛ در واقع در طول ماه محرم، کثرت رنگ سیاه به طرز جالب توجهی حومه جنوبی بیروت را از دیگر نواحی شهر متمایز می‌کند (بارانی ۱۳۸۸: ۳۰۶) و این نیست جز تأثیرپذیری از فرهنگ سوگواری ایرانی؛ البته فرهنگ ایرانی تأثیر مثبت هم داشته است و آن نفوذ اندیشه اصلاح‌طلبی ایرانی است.

محسن امین حتی دسته‌های عزاداری «مواکب الحسینیه» را هم برگرفته از شیوه سوگواری ایرانیان می‌دانست و مخالفت می‌کرد (مرون ۱۳۸۷: ۸۸ و ۸۹). نمایش دراماتیک صحنه کربلا در منازل لبنانی و دادن چای و قهوه و شیرینی به نیت امام حسین (ع) و نان مخصوص به یاد حضرت عباس (ع) از دیگر نمادهای سوگواری ایرانیان در لبنان بوده است (همان، ۸۹). حضور زنان در این مجالس به‌ویژه در تعزیه‌خوانی و واکنش منفی آنان به بازیگران نقش دشمنان امام حسین (ع)، مثل ناسزا گفتن به بازیگر نقش شمر و پرتاب کردن لنگ کفش به طرف او، تداعی واکنش زنان ایرانی است (همان، ۹۲). بعضی از اعمال عزاداری در بین مردم لبنان و دمشق به نام ایرانی معروف شده بود؛ دسته قمه‌زنی جوانان را «حلاقه عجمیه» (آرایش ایرانی) می‌نامیدند (همان، ۹۶). این مسئله نشانه نفوذ فرهنگ عزاداری ایرانی در بین شیعیان لبنان است.

۵. پیامدهای رویکرد اصلاحی علمای ایرانی و لبنانی

فرهنگ پدیدۀ پیچیده‌ای از آداب و رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی است که در طی تجربه تاریخی اقوام و تبادلات با دیگر ملت‌ها شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی یا دیگر مناطق است (انوری ۱۳۸۱: ۶/ ۵۳۴۶). فرهنگ دربرگیرنده ارزش‌ها و

باورهای مشترک جامعه است که موجب تداوم همبستگی و وحدت میان افراد می‌شود. آثار ادبی، هنری، فکری، آداب و رسوم، سنت‌ها، نمادها و اخلاقیات از جمله فرهنگ‌های معنوی جامعه هستند (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۸۵: ۱۲۲ و ۱۲۳؛ یوسفیان، ۱۳۶۸: ۲۱). آداب و سنن سوگواری و نمادهای عزاداری حسینی در بین شیعیان مناطق مختلف جهان نیز جزو فرهنگ‌های مردم همان مناطق به حساب می‌آیند و این تفاوت فرهنگی را به وجود می‌آورد. پس نمی‌توان گفت آداب و رسوم سوگواری عاشورا در بین تمام شیعیان جهان یکی است. همان‌طور که سوگواری‌های دینی و مذهبی که الآن در بین مسلمانان به‌ویژه شیعیان جاری و ساری است، در روزگار پیامبر (ص) و ائمه شیعه (ع) وجود نداشته است؛ اگر هم می‌بود، در شکل و قالب خاصی بوده است. محافل سوگواری صرفاً شکل ساده‌ای داشت و با چندتا شعرخوانی شاعر و نوحه‌سرایی مداحی به پایان می‌رسید و فاقد ابزار و آلات سوگواری امروزی بود. از نمادها، رمزها و نشانه‌های امروزی سوگواری در آن دوران خبری نبوده است. پس نمی‌توان از دین و مذهب چیزی به نام سنت سوگواری اقتباس کرد، آنچه به عنوان سنت و آداب عزاداری مطرح و مرسوم است، حاصل نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و سلیقه‌های عموم مردم دین‌داری است که در هر زمان و مکان شکل خاصی به خود گرفته است. از این رو باورها و آیین‌های سوگواری ایرانیان که آمیزه‌ای از آداب و سنن و باورهای کهن ملی و اسلامی است، اختصاص به ایران و ایرانی دارد و نمی‌توان انتظار داشت سنت‌ها و نمادهای عزاداری شیعیان غیرایرانی همانند ایرانیان باشد. هر دولت و ملتی دارای فرهنگ ویژه خود است. حتی دو کشور همسایه که زمانی در یک حوزه تمدنی بوده و کشور و امپراطوری واحدی را تشکیل می‌دادند، پس از جدایی و استقلال تلاش می‌کنند برای خود هویت‌سازی کرده، فرهنگ مستقلی بسازند. با همه این تفاوت‌ها، ممکن است در طول تاریخ، به علل گوناگون تبادل فرهنگی نیز بین کشورها و ملت‌های هم‌جوار یا هم‌مذهب وجود داشته باشد و به سبب تأثیر و تأثر، سنت‌ها و رسوم را از هم اقتباس کرده باشند. به ویژه عناصر فرهنگی که ریشه در دین و مذهب داشته باشد، شباهت‌ها و مشترکاتی بین هم‌کیشان دیده می‌شود.

پس اصلاح آسیب‌ها و مبارزه با کجی‌ها و خرافات توسط عالمان شیعی لبنان، مبارزه با انحرافات بوده است که در احکام و قوانین الهی و سنت‌های اسلامی و

مذهب تشیع وارد شده بود. حال این انحرافات و خرافات یا از عادات و آداب و رسوم سنتی پیش از اسلام بود یا از رسم و رسوم قبیلگی و فرهنگ محلی یا در مواجهه با دیگر فرهنگ‌های مهاجم وارد اسلام شده بود و به غلط به نام سنت اسلامی رواج پیدا کرده بود.

به همین منظور، سید محسن امین فتوا داد قمه‌زنی و اعمال دیگری از این قبیل، در مراسم عزاداری حسینی به حکم عقل و شرع حرام است و زخمی ساختن سر که نه سود دنیوی دارد و نه اجر اخروی، ایزای نفس است که خود در شرع حرام است و در مقابل این عمل، شیعه اهل بیت را در انظار مردم مورد تمسخر قرار داده، آن‌ها را وحشی قلمداد می‌کنند و شکی نیست که این اعمال ناشی از وساوس شیاطین است و خدا و پیامبر (ص) و اهل بیتش از آن راضی نیستند (امین، ۱۹۶۰: ۳۶۳/۱۰). ایشان تأکید داشتند در عزاداری‌ها باید از سیره ائمه (ع) پیروی کرد و اگر آن بزرگواران تصریحی در این امور نکرده‌اند، باید از شیوه‌ای منطقی و عاقلانه پیروی کرد (امین ۱۹۷۳: ۱۹ و ۲۰). با این فتوا و دیدگاه، تبلیغات و حملات فراگیری بر او آغاز شد و گفتند عزای حسینی را حرام می‌دانند. پس گروهی نیز او را به خروج از دین متهم کردند و با عنوان جهاد مقدس بر ضد او به پا خاستند (امین ۱۹۶۰: ۳۶۳/۱۰).

با بررسی منابع تاریخی می‌بینیم این اندیشه و روحیه اصلاح‌گری در پیوند با سایر مراجع و علما و روحانیت شیعه در دیگر مناطق، به‌ویژه ایران و عراق بوده است. چنان‌که پس از آغاز اصلاحات نیز این عالمان و اندیشمندان دیگر بلاد شیعی بودند که از او حمایت کرده و مقومش بودند. سنت و روال طبیعی حوزه‌های علمیه شیعی و پیوند بین روحانیت شیعه بیشتر این‌گونه بوده است که از هم تأثیر می‌پذیرفتند و مبلغ اندیشه‌های اساتید خود بودند. بنابراین محسن امین نیز پیوندی با مراجع و علمای ایران و ایرانی مقیم عراق داشت و مستقیم و غیرمستقیم از آنها تأثیر گرفته و آن‌ها را الگو قرار داده است و در مبارزه با تحریفات و خرافات از روش و حمایت معنوی آنها بهره می‌گرفت.

عالمان و مراجعی از ایران یا ایرانی مقیم عراق از ایشان حمایت کرده، فتاوایی در تأیید ایشان صادر کردند. از آن میان آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی - که در آن زمان مقام ریاست تامه و مرجعیت عامه را داشت - به طرفداری از محسن امین و

کتابش *التنزیه فتوا صادر کرد و به صراحت گفت: «ان استعمال السوف و السلاسل و الطبول و الابواق و مایجری الیوم أمثاله فی مواكب العزاء بیوم عاشورا انما هو محرم و غیر شرعی (حاج سیدجوادی، ۱۳۸۳: ۲ / ۵۳۱؛ امین، ۱۹۶۰: ۱۰ / ۳۷۸)؛ همانا استفاده از امثال شمشیر و زنجیر و طبل و بوق و امثال آنچه امروزه در دسته‌ها و مواكب عزاداری عاشورا رایج شده است، قطعاً حرام و غیر شرعی است. چند تن از شاگردان سید ابوالحسن اصفهانی نیز با نوشتن مقاله و خطابه و سرودن شعر، محسن امین و نظریات اصلاحی وی را مورد ستایش و حمایت قرار می‌دادند (مرون ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۴).*

محسن امین در راستای پیش‌برد دیدگاه اصلاح‌طلبانه و سیر مطالعاتی خود، گاهی به کشورهای مسلمان سفر می‌کرد. به ایران و عراق هم سفر کرد. در این سفرها با علما و اندیشمندان اصلاح‌گر دیدار می‌کرد و تأثیر می‌گذاشت و تأثیر می‌گرفت. آن هم در اوج جبهه‌گیری مخالفان بر علیه او، به ویژه در نجف. با این حال در نجف مورد استقبال علما و روحانیت قرار گرفت. علاقه و اعتماد سید ابوالحسن اصفهانی به محسن امین به اندازه‌ای بود که در صف جلوی پیشوازکنندگان از او بود (همان، ۱۳۴؛ الخلیلی، ۱۹۶۳: ۱ / ۲۱۶).

در بصره نیز آیت‌الله سید مهدی قزوینی به حمایت از علامه سید محسن امین برخاست و در آثار خویش به انتقاد از قمه‌زنی پرداخت. ایشان یک سال پیش از انتشار کتاب *التنزیه* نیز در کتابی به نام *كشف الحق لغفله الخلق* از قمه‌زنی انتقاد کرد و مدتی پس از سید محسن امین نیز انتقاداتش را در کتاب *دوله الشجره الملعونه الشامیه علی العلویه* تکرار کرد. وی بر این اعتقاد بود که استفاده از آهن، یعنی زنجیر و قمه در مراسم عزاداری حدود یک قرن قبل و توسط مردمانی که تسلط زیادی به قوانین شریعت نداشتند، پدید آمده است (مرون ۱۳۸۷: ۱۰۵).

یکی دیگر از علمای شیعه ساکن عراق که با محسن امین در ارتباط بود و از او حمایت می‌کرد، عبدالکریم جزایری، از شاگردان و نزدیکان سید ابوالحسن اصفهانی بود (همان: ۱۳۲، پاورقی؛ امین ۱۴۱۸: ۳ / ۱۵۲). جالب است که گروهی از زهاد و عباد معروف نیز از او حمایت کردند. از آن میان شیخ علی قمی معروف به «زاهد» بود. وی از شاگردان عارف بزرگ حسینقلی همدانی و پس از او از خواص آیت‌الله کشمیری بود

که در زمان حیات خویش ضرب‌المثل تقوی و زهد بود؛ به گونه‌ای که همه اهل علم از عرب و عجم بر این نکته اتفاق داشتند که او پرهیزگارترین عالم زمان خویش است (همان؛ الخلیلی، ۱۹۶۳: ۲۱۲/۱).

همچنین یکی از شاگردان آیت‌الله محمدکاظم خراسانی، به نام «محمد الکنجی النجفی» در حمایت از اصلاحات و اصلاح‌طلبی محسن امین در زمینه عاشورا کتاب *افشای فریب‌ها و نیرنگ‌ها در موضوع پاکسازی و تنزیه* را نوشت (مرون، ۱۳۸۷: ۱۲۱). عالم ایرانی‌الاصل، هبه‌الدین شهرستانی نیز یکی از مدافعان و تأثیرگذاران بر اصلاح‌طلبان و هوادار جدی و محکم محسن امین بوده است (همان).

اساتید ایرانی سید محسن امین نیز از حامیان او بودند. علمایی چون: احمد الکربلایی، محمدباقر نجم آبادی، ملا فتح‌الله اصفهانی (شیخ‌الشریعه)، ملا کاظم خراسانی (آخوند خراسانی) و رضا همدانی (همان: ۱۵۷). سید محسن امین، از سال ۱۳۰۸ ق. تا ۱۳۱۱ ق. نزد سید احمد کربلایی تهرانی شاگردی کرد و تحت تأثیر روحی و اخلاقی و علمی ایشان بود (امین، ۱۹۶۰: ۲/۴۷۲؛ صدوقی، ۱۳۵۹: ۱۳۴).

آیت‌الله رضا همدانی، از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و میرزا محمدحسن شیرازی (۱۲۲۴ - ۱۳۱۲ ق.) بود که سید محسن امین چند سال در درس او شرکت کرد و از نزدیک با شیوه زندگی و اخلاق و نظراتش آشنا بود (امین ۱۹۶۰: ۷: ۲۰). از بین این تربیت‌یافتگان درس رضا همدانی، دو نفر موفق به کسب اجازه اجتهاد شدند که یکی سید محسن امین بود (همدانی ۱۳۷۶: ۳۸).

غیر از محسن امین، عالمان دیگری نیز در لبنان بودند که نگاه اصلاح‌طلبانه آنان برگرفته از ایران و ایرانیان بود. موسی شراره که سال ۱۸۸۰ م. از عراق به جبل عامل آمد، حرکت‌های احیاء طلبی و اصلاح‌طلبی را با الهام از مجالس سوگواری حسینی و عالمان شیعه ساکن عراق و ایران آغاز کرد و مجالس و محافل مذهبی جبل عامل را به گونه‌ای جدید برنامه‌ریزی کرد و تنوع بخشید. علاوه بر دهه محرم، همچون ایرانیان شیعه، مجالس سوگواری حسینی را به مجالس فاتحه و منازل در طول سال گسترش داد (امین ۱۹۶۰: ۳۴۲/۱۰).

بیشتر اساتید ایشان در نجف ایرانی بودند. کسانی مثل شیخ محمدعلی خوانساری، شیخ ملاعلی همدانی، شیخ محمدتقی ایروانی (در حکمت)، شیخ محمدتقی گلپایگانی

(در حکمت و فلسفه)، شیخ ملاحسین قلی همدانی (در اخلاقی و سلوک)، شیخ ملا محمدکاظم آخوند خراسانی (همان، ۱۳۶/۶؛ همان، ۲۵۷/۹؛ همان، ۱۴۰۵: ۲/۲۱۴ و ۳/۵۸-۵۹). شراره با تأثیر از همین اساتید بود که به احیاءگری و اصلاح‌گری گرایش پیدا کرد و تلاشی فراوان کرد تا رسوم ناپسند و سنت‌های نامشروع و خرافات را از چهرهٔ دین بزدايد و هم از اصلاح‌طلبانی چون محسن امین حمایت کند.

حسن یوسف مکی نیز از دیگر عالمان لبنانی بود که از عراق (سال ۱۸۹۵ م.) به وطن برگشت و راه موسی شراره را ادامه داد. اگر موسی شراره با کنار گذاشتن کتاب و روضه‌خوانی‌های غیرمستند و قدیمی و گسترش و نظم و انضباط دادن به مجالس عزاداری، آغازگر اصلاحات بود، حسن یوسف مکی درصدد اصلاح کیفیت عزاداری و مخالفت با بعضی مراسم تقلیدی همچون قمه‌زنی، زنجیرزنی، شبیه‌خوانی و... برآمد. در ادامه، عالمانی چون «نجیب فضل‌الله» نیز مخالف سینه‌زنی و... بود.

سید محسن امین نیز ادامه‌دهندهٔ راه همسلکان و هم‌فکران خود شد. او نیز تحت تأثیر اساتید و دوستان ایرانی خود و فتاوی‌های مجتهدانی چون میرزای شیرازی، میرزای قمی و سید ابوالحسن اصفهانی و محمدحسین کاشف الغطا هر کار مخالف عقل را حرام و رهبری اصلاحات دینی را در لبنان بر عهده گرفت.

به طور خلاصه پیامدهای رویکرد اصلاحی علمای ایرانی و لبنانی عبارت‌اند از:

۱. تأکید بر پیروی از سیرهٔ ائمه (ع) در سوگواری‌ها؛
۲. صدور فتوا از جانب محسن امین و دیگر علمای هم‌فکر او مبنی بر حرام بودن قمه‌زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم عزاداری حسینی؛
۳. حملات فراگیر علیه سید محسن امین به حدی که گروهی او را به خروج از دین متهم کرده، جهاد مقدس بر ضد او را اعلام کردند؛
۴. حمایت برخی مراجع و علمای ایران و عراق و... از محسن امین، حتی گروهی از زهاد و عباد معروف، مثل شیخ علی قمی، شیخ جعفر ندیری و آیت‌الله کشمیری که هر کدام در زمان حیات خویش ضرب‌المثل تقوی و زهد بودند؛
۵. نگارش کتاب و مقالات متعدد در حمایت یا مخالفت با اصلاحات، در نتیجه پویایی و تحرک حوزه‌های علمیه و جوامع علمی، به ویژه بین شیعیان.

نتیجه

آنچه در فرجام پژوهش می‌توان گفت این است که فرهنگ مذهبی شیعیان ایران و لبنان، به ویژه عالمان شیعی همیشه در پیوند با هم و اثرگذاری و اثرپذیری از هم بوده است. در این تبادل فرهنگی، گاه آسیب‌ها و ناهنجاری‌های مذهبی نیز منتقل شده است که از آن میان تحریفات و خرافات عاشورا است؛ نفوذ پاره‌ای از آداب و رسوم سوگواری عاشورای حسینی که هم مخالفانی در بین علمای ایرانی و هم لبنانی داشته است، یک‌سویه نبوده است که بگوییم فقط آداب و نمادهای خرافی و تحریف‌شده سوگواری عاشورا از ایران به لبنان رسوخ کرده است، نه! اندیشه اصلاح‌گری علمای ایرانی ساکن در ایران و عراق، به‌ویژه در دوران مشروطه و بعد از آن نیز تأثیر گذاشته است.

اصلاح‌طلبی علمای لبنانی در بازه زمانی‌ای که مورد نظر و پژوهش خانم مروان بود هم همین‌گونه بوده است و بی‌تأثیر از عالمان ایرانی نبوده و خودش تأثیرگرفته از اصلاح‌طلبی علمای ایرانی بوده است. این امر ناشی از پیوستگی عمیق بین علمای شیعه، به خصوص پیوند بین اساتید و شاگردان در سنت تحصیلات حوزه‌های علمیه شیعه است. پس همان‌طور که بعضی از آداب و نمادهای عزاداری ایرانی به لبنان منتقل شده است، به نظر می‌رسد جنبش اصلاح‌طلبی آنها به رهبری سید محسن امین نیز متأثر از اصلاح‌طلبی اندیشمندان و علمای ایرانی، به‌ویژه دوران انقلاب مشروطه و پس از آن باشد. حتی به نوعی می‌توان گفت اصلاحات شیخ محسن امین، به‌ویژه در روش اصلاحات درسی، علاوه بر هم‌زمانی با دوره شیخ عبدالکریم حائری در ایران، برگرفته از روش اصلاحات ایشان نیز بوده است.

همان‌طور که نزاع و مناقشه فکری بین اصلاح‌طلبان و مخالفان اصلاحات امور مذهبی، به‌ویژه در سنت‌های عزاداری عاشورا در عراق تحت تأثیر رقابت‌ها و دعوای همین تفکرات در ایران و الگوبرداری از همان نزاع‌های ایرانی بوده است. شیعیان لبنانی نیز مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر نزاع‌های عراقی و ایرانی بوده‌اند. محسن امین تحت تأثیر اساتید و علمای ایرانی ساکن عراق نیز بود و حتی در امر اصلاحات مورد حمایت آنها قرار داشت.

پی نوشت

1. "UN REFORMISME CHIITE: ULEMAS ET LETTRES DU GABAL AMIL (ACTUEL LIBAN-SUD) DE LA FIN DE L'INDEPENDANCE DU LIBAN", Sabrina MERVIN, KARTHALA-CERMOC-IFEAD, 2000, Paris., 520 pages.

منابع

- اکبری بیرق، حسن (۱۳۷۹). مبانی فکری ادبیات مشروطه، تهران: پایا.
- الگار، حامد (۱۳۶۲). نهضت بیدارگری در جهان اسلام، محمد مهدی جعفری، تهران: شرکت انتشار، چاپ اول.
- امین، حسن (۱۴۱۸). مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
- امین، محسن (۱۹۶۰). اعیان الشیعه، حسن الامین، بیروت: بی نا، چاپ چهارم.
- امین، محسن (۱۹۷۳). رساله التنزیه الاعمال الشبیه، جلال آل احمد، تهران.
- امین، محسن (۱۹۷۴). رحلات، بیروت: بی نا، دوم.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، چاپ اول.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۹). ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، کاظم فیروزمند، تهران: مرکز، چاپ سوم.
- آخوندزاده، میرزافتحعلی (۲۰۱۶). *مکتوبات کمال الدوله*، به کوشش علی اصغر حقدار، ترکیه: باشگاه ادبیات، چاپ اول.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران*، بی جا: سخن.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۷). *اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی*، تهران: پیام، چاپ دوم.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). *فرهنگ معاصر عربی فارسی*، تهران: نی، چاپ اول.
- آشوری، منوچهر (۱۳۸۰). *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید، چاپ ششم.
- آلاندوزلی، محمد (۱۳۸۱). «کتاب شناسی توصیفی - انتقادی پیرامون تحریف های عاشورا»، آیینیه پژوهش، ش ۷۸، ص ۱۵۹-۱۸۵.
- بارانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *ترجمه و نقد مقالات خاورشناسان*، قم: خاکریز، چاپ اول.
- بارانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان*، بارانی، قم: خاکریز، چاپ اول.
- بصیرت منش، حمید (۱۳۷۶). *علما و رضاشاه*، تهران: عروج، چاپ اول.
- بیرجندی، محمدباقر (۱۳۸۵). *کبریت احمر در شرایط منبر*، علیرضا اباذری، قم: صبح پیروزی.
- پاشاپور، حمید (۱۳۸۲). *نهضت های اسلامی، بازیگران جدید نظام بین الملل*، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ اول.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۹۷۵). *الذریعه*، بیروت: دارالاضواء، ج هجدهم.

- جریان‌های فکری مشروطیت (۱۳۸۶). مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول.
- حاج سیدجوادی، احمد (۱۳۸۳). *دایرة المعارف تشیع*، تهران: شهید سعید محبی، چاپ سوم.
- حرزالدین، محمد (۱۴۰۵). *معارف الرجال*، قم: مکتب آیت‌الله مرعشی نجفی.
- حسون، محمد (۱۴۳۲). *رسائل شعاع الحسینیه*، قم: رافد، ج ۱، چاپ اول.
- الخلیلی، جعفر (۱۹۶۳). *هکذا عرفتهم*، بغداد: بیروت: چاپ چهارم.
- الخلیلی، جعفر (۱۹۸۷). *موسوعة العتبات المقدسه*، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۱۲). *کشف اسرار*، بیروت: دارالمکتبه الرسول.
- رشیدی، بهروز (۱۳۹۲). *امام خمینی و نهضت احیای تمدن اسلامی*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- صالحی، سیدعباس (۱۳۸۶). «پیشینه و جریان‌شناسی مبارزه با آسیب‌های فرهنگ عاشورا»، بگانه حوزه، ش ۱۲۷، ص ۴-۸.
- شرف‌الدین، عبدالحسین (۱۹۵۰). *الی المجمع العلمی العربی بدمشق*، لبنان، صیدا: مطبعة العرفان، چاپ اول.
- شرف‌الدین، عبدالحسین (۱۹۸۱). *المجالس الفاخرة فی ماتم العترة الطاهرة*، بیروت: دارالزهراء، چاپ دوم.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۹۰). *جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی اسلامی معاصر*، قم: زمزم هدایت، چاپ اول.
- صدوقی‌سها، منوچهر (۱۳۵۹). *تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدر المتألهین*، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- فردید، سید احمد؛ ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۸۴). «مشروطه دفع فاسد به افسد»، *زمانه*، ش ۳۵، ص ۷-۸.
- قزوینی، محمدمهدی (۱۳۴۵ الف). *صوله الحق علی جوله الباطل*، بصره: مطبعة الوطنیه.
- قزوینی، محمدمهدی (۱۳۴۵ ب). *کشف الحق لغفله الخلق*، بغداد: مطبعة دارالسلام.
- کاشف‌الغطا، محمدهسین (۱۴۲۶). *الفردوس الاعلی*، محمدهلی قاضی طباطبایی، قم: دارالانوار الهدی.
- کسروی، احمد (۲۰۱۱). *شیعی‌گری*، محمد امینی، آمریکا: شرکت کتاب.
- الگنجی، محمد (۱۳۴۷). *کشف التمیوه عن رسالات التنزیه*، نجف: بی‌نا.
- گودرزی، فاطمه (۱۳۸۳). *مبانی قرآنی اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه امام خمینی در مقایسه با سیدجمال‌الدین اسدآبادی*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- محمدهی، منوچهر (۱۳۹۰). *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.
- مرتضی عاملی، جعفر (۱۴۲۵). *أحیوا أمرنا*، بیروت: لمركز الاسلامی للدراسات.

- مرون، سابرینا (۱۳۸۷). مبارزه علمای اصلاح طلب لبنان با تحریفات عاشورا، حسن فرشتیان، قم: حبیب، چاپ اول.
- مرون، سابرینا (۱۳۹۳). جنبش اصلاح طلبی شیعی لبنان، اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
- مسائلی، مهدی (بی تا). «قمه زنی سنت یا بدعت»، قم: گلبن، ش ۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: صدرا، چاپ هجدهم.
- میرزائی، حسین (۱۳۸۰). جلال اهل قلم، تهران: سروش.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۶۱). تنبیه الامر و تنزیه المله، مقدمه و تحشیه محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۵). مبانی جامعه‌شناسی، وثوقی، تهران: بهینه، چاپ شانزدهم.
- ورنر، اند (۱۳۸۲). «اختلاف نظر علما درباره برخی از جنبه‌های سوگواری محرم»، ترجمه جعفر جعفریان، آینه پژوهش، شماره ۸۴، ص ۳۳-۴۲.
- همدانی، رضا (۱۳۷۶). مصباح الفقیه، قم: المؤسسة الجعفریه.
- یوسفیان، جواد (۱۳۶۸). «نگاهی به مفهوم فرهنگ»، ماهنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲، ص ۲۱-۲۵.